



این جوان همراه ۲ نفر از رفقاییش شغل جالبی راه اندازی کرده است؛ دکان سیار صنایع دستی!

«میرزا»ی دوره گرد کوچه ها

الهام فیروز بخت

روزنامه نگار

این روزها در گوشه و کنار شهر، فولکس های جذاب با دکورهای جذاب تر از زیاد می بینیم که بیشترشان کافه های سیار هستند. کافه ون ها، کتابفروشی و گل فروشی های سیار، فست فودها و کافه کتاب های سیار همگی از مشاغلی هستند که ماشین آن هم از نوع ون و فولکس یکی از مهم ترین نقش ها را در آن بازی می کند و اتفاقا مردم نشان داده اند از این نوع کسب و کارها خوش شان می آید و خیلی زود جذبشان می شوند. این بار اما ایده، ایده بکری است و قرار نیست «خوردنی» به مشتری عرضه شود، بلکه قرار است مردم پای این فولکس با فرهنگ کشورمان بیشتر آشنا شوند و صنایع دستی بخرند. احسان رستمی پور، کارشناس ارشد روزنامه نگاری است که همراه دو نفر از رفقاییش مجید جلیلی و افسانه میرباقری که کارشناسی ارشد تئاتر و نقاشی دارند، شش ماهی است ایده راه اندازی کسب و کار سیار را اجرا کرده اند. «میرزا» قرار است محله به محله بگردد و صنایع دستی کمتر شناخته شده را دست مردم بدهد.

قصه از کجا شروع شد؟

احسان رستمی پور، خبرنگار حوزه گردشگری است و به واسطه شغلش فراوان سفر می کند. «یکی از علایقم سفر بوده و بعدتر شغلم هم ایجاب می کرد سفر زیاد بروم. در تمام این سال ها وقتی برای تهیه گزارش یا خبر سفر می کردم اولین چیزی که در هر شهری توجهم را جلب می کرد صنایع دستی مخصوص آن شهر یا روستا بود و همیشه سعی می کردم از این صنایع دستی خرید کنم. وقتی این محصولات را با خودم به تهران می آوردم اکثر اوقات مورد توجه دوستان و اطرافیانم قرار می گرفت. همیشه سعی می کردم محصولاتی را خریداری کنم که کمتر شناخته شده هستند تا هم کمکی باشد برای تولیدکننده آن محصول و هم بتوانم به اطرافیانم معرفی اش کنم. ایده اولیه همین طور شکل گرفت. این که چطور می شود یک بستر متفاوت فروش صنایع دستی داشته باشیم که پایه و اساسش روی معرفی آن محصول باشد. ایده را با دو نفر از دوستانم مطرح کردم و طی سه سال بسترهای مختلف فروش را مورد بررسی قرار دادیم. این که بازخورد این نوع فروش چه خواهد بود یا این که اصلا این ایده می تواند به هدفی که ما می خواستیم نزدیک و نزدیک تر شود؟

در مسیر همین تحقیق و بررسی ها بود که ایده «دکان دوره گرد صنایع دستی» به ذهنم رسید.

دور گردی با چهار چرخ ۳۵ ساله

احسان ایده را با شرکایش به اشتراک می گذارد. به نظر آنها هم ایده بکر و جالبی است. این می شود که می روند سراغ خرید ماشین و باقی نیازها؛ «مرداد ۹۷ ماشین را خریداری کردیم و اجرا کردن ایده کم کم برایمان جدی شد و اسفند ۹۷ به طور رسمی کارمان را شروع کردیم. البته ما دیگر به آن ماشین نمی گوئیم. میرزا حالا در کارمان یک شخصیت مستقل است. فولکس T3 ما متولد ۱۹۸۴ است. همان موقع که می خواستیم میرزا را خریداری کنیم دو نفر از رفیق هایمان فولکس استیشن هایی که بیشتر برای کافه های سیار استفاده می شوند داشتند، اما دنبال یک ماشین خاص تر بودیم. البته بهای این خاص بودنش را هم بارها و بارها پرداخته ایم. میرزا در این راه فراوان اذیت مان کرده، اما شخصیتش برایمان جالب و جذاب است. ۳۵ سال برای یک ماشین عمر کمی نیست. هر کسی زبانش را نمی فهمد و گاهی که روی دنده خراب شدن های پیپی می افتد واقعا

رستمی پور در مورد وجود نمونه های مشابه می گوید «چند سال پیش اتوبوسی به نام «قاصدک» در حوزه صنایع دستی فعالیت داشت. یکی دو نمونه هم شهرداری در زمان های خاص فعالیت مختصری داشت اما امروز تا آنجا که ما بررسی کرده ایم هیچ کدام فعالیتی ندارند. در فضای مجازی هم چند زوج هستند که با ون سفر می کنند و بیشتر دست سازهای هنری می فروشند و نمی شود اسمش را فروش صنایع دستی گذاشت. البته هدف ما از همان ابتدای کار هم ترویج فرهنگ بوده و این فرق اساسی مان با دیگر کسب و کارهای مشابه است. اما در کشورهای دیگر ممکن است نمونه مشابه داشته باشد، چرا که کسب و کار سیار آن هم به این صورت در ایران به کافه های سیار محدود شده، اما در کشورهای دیگر کسب و کارهای سیار دامنه گسترده ای دارند به این صورت که هر شغل ثابتی می تواند یک نمونه سیار هم داشته باشد.»



میرزای سر حال، سفر هم می رود

احسان و مجید و افسانه برای میرزا برنامه سفر چیده اند، اما فصل های گرم برای سفر با این نوع ماشین خیلی امکان پذیر نیست؛ از طرفی هم میرزا باید اول مسائل فنی اش حل بشود بعد بتواند به دل جاده بزند. «میرزا به قول معروف خیلی قلقی است و ما با گذشت یک سال هنوز نتوانسته ایم قلقش را دستان

برای سر حال کردنش به زحمت می افیم. مثلا همان روزی که از خرم آباد خریداری اش کردیم و تا تهران آوردیمش خالش خوب بود و مافکر می کردیم تا مدت ها همین طور سر حال می ماند، اما وقتی رسیدیم تهران و خاموشش کردیم، دیگر روشن نشد. تصمیم گرفته بود پنج ماه به همین حالت بماند. چون یک ماشین قدیمی هم محسوب می شود کسی هم بلد نبود بفهمد دردش دقیقا کجاست و چرا روشن نمی شود؟»

طرح قالی ایرانی روی بدنه ماشین خارجی

احسان و شرکا در صفحه اینستاگرام دکان دوره گرد صنایع دستی مراحل بازسازی و طراحی بدنه میرزا را منتشر کردند. این طرح ها کاملا ایرانی است و داستان جالبی دارد «نقش هایی که روی بدنه میرزا استفاده شده همه از نقشه های فرش های قدیمی کاشان است. تخته های نقشه فرش کاشان را از بازار قدیمی این شهر پیدا کردیم. ما این دو نقشه را از میان هزاران نقشه انتخاب کردیم. درباره قدمت آن مطمئن نیستیم، اما هر دوی آنها به روش سنتی و با دست رنگ گذاری شده اند. پس از پیدا کردن نقشه ها و انتخابی سخت از میان هزاران نقش زیبا گرد و خاک سالیان را آنها گرفتیم و تمام جزئیات را به صورت دیجیتال درآوردیم تا پیش از اجرا نمای کلی کار را ببینیم. بخش قرمز انتهایی ماشین بخشی از نقش یکی از تخته هاست که نظرمون را جلب کرد و حاشیه جلو دقیقا طرح یکی از نقشه هاست. سقف میرزا تماما پارچه قلمکار است و شیشه های انتهایی ماشین گره چینی هستند. ما تمام تلاش مان را کرده ایم که حتی المان های داخل واگن هم نشانه و رنگ و بویی از صنایع دستی کشورمان باشد و هر کسی که میرزا را می بیند با همان نگاه اول متوجه نوع کسب و کارمان بشود.»

کسب و کاری که نمونه داخلی ندارد

